

حکم فقهی پاسخ به سلام در ارتباطات کلامی غیرشفاهی سنتی و مدرن^۱

مصطفی همدانی^۲

چکیده

پاسخ به سلام در ارتباطات سنتی شفاهی واجب است، اما در ارتباطات غیرشفاهی، این حکم پیچیدگی خاصی دارد. پژوهش فرارو این موضوع را در انواع ارتباطات سنتی غیرشفاهی و مدرن (بر حسب نوع ارتباط مدرن و سنتی) کاویده است و با توجه به تقسیم انواع ارتباط، با عزیمت از جایگاه ادله فقهی سعی کرده است از تحلیل علمی انواع ارتباط و ساختار هریک سود بجوید تا در موازنه با آیه تحیت و روایات پاسخ به سلام و اندیشه‌های فقهی گذشتگان، احکام انواع ارتباط غیرشفاهی خصوصاً صورت‌های نوپیدای آن را نیز استخراج کند. نتایج تحقیق نشان داده است، در ارتباطات غیرشفاهی میان فردی چه سنتی چون نامه‌نگاری کاغذی و چه مدرن چون ایمیل و پیامک فردی، پاسخ سلام واجب است. در ارتباطات جمعی (رادیو و تلویزیون) گرچه پخش زنده باشد، پاسخ واجب نیست و در ارتباطات گروهی، حکم آن بسته به نوع ارتباط و بستر آن فرق دارد.

کلیدواژه‌ها: ارتباط، ارتباط کلامی، ارتباط غیرشفاهی، فقه ارتباطات، فقه ارتباطات کلامی، فقه سلام.

حکم فقهی پاسخ به
سلام در ارتباطات کلامی
غیرشفاهی سنتی و
مدرن

۸۳

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

۲. دانش‌آموخته درس خارج فقه و فلسفه اسلامی حوزه علمیه قم و مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم؛ رایانامه:

ma13577ma@gmail.com

مقدمه

در ارتباطات انسانی نقطه آغاز دارای جایگاه ویژه‌ای در ایجاد ارتباط، کیفیت و تداوم آن است؛ بدین معنا که اگر انسان را آفریننده ارتباط و معناساز محتوای ارتباطی خود بدانیم که چنین هم هست نقطه آغاز در ارتباطات انسانی نه فقط یک شروع، بلکه دریچه‌ای است به سوی جهانی که نحوه گشودن آن بر چگونگی خلق آن جهان اثر مستقیم دارد. ارتباط‌شناسان در اهمیت نقطه آغاز ارتباط معتقدند اعتقاد مردم درباره هر فرد در همان سی ثانیه اول برخورد شکل می‌گیرد و با توجه به خصوصیات ظاهری و زبان بدن و آداب فرد درباره او قضاوت می‌کنند (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۶، ۱۱).

ارتباطات به گونه‌های مختلف انجام می‌شود و مقصود در اینجا، ارتباطات کلامی غیرشفاهی است. در فرهنگ اسلامی آغاز ارتباط در میان مسلمانان با «سلام» است. قرآن کریم آغاز ارتباط را با سلام توصیه فرموده (نور/۲۸) و آن را تحیت الاهی دانسته (مجادله/۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۸۶/۱۹) و سلامی را مردم به هم نثار می‌کنند، از ناحیه خدای متعال و نشئت گرفته از ذات الاهی معرفی کرده است (نور/۶۱)؛ به همین دلیل رسول گرامی خدا ﷺ نیز فرموده است: سلام، نامی از نام‌های خداوند است؛ پس شما آن را در بین خود پخش کنید (طبرسی، ۱۳۴۴، ۱۹۹؛ بیهقی، ۱۹۸/۱۱).

فقیهان همواره بر این باور بوده‌اند که پاسخ سلام در ارتباطات کلامی شفاهی واجب است. دلیل قرآنی^۱، روایات خاصه^۲ و اجماع، مستندات ایشان است (محقق‌ثانی، ۱۴۱۴، ۳۵۵/۲؛ سبزواری، ۱۲۴۷، ۳۶۴/۲) و در این زمینه مباحث گسترده‌ای طرح کرده‌اند. پرسشی که به جهت ابعاد نوپیدای آن همواره در استفتائات پرسیده می‌شود، حکم فقهی پاسخ به سلام در ارتباطاتی چون نامه، ایمیل، تلگرام و... است که در پژوهش‌ها فرارو از آن‌ها با عنوان ارتباطات کلامی غیرشفاهی یاد می‌شود.

این نوشتار با هدف تبیین حکم فقهی سلام در این عرصه‌ها به این پرسش پاسخ می‌دهد که حکم فقهی پاسخ به سلام در ارتباطات کلامی غیرشفاهی مدرن و سنتی

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷
زمستان ۱۳۹۸

۸۴

۱. (وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنِ مِمَّا أُرِدُّوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا) (نساء/ ۸۶)

۲. علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوفلي عن السكوني عن ابي عبد الله قال: قال رسول الله ﷺ السَّلامُ تَطَوُّعٌ وَ الرَّدُّ فَرِيضَةٌ. (كليني، ۱۴۰۷، ۶۴۴/۲).

چیست؟ با توجه به دوحوزه‌ای بودن پرسش اصلی (مدرن و سنتی) و نیز با توجه به تقسیم ارتباط به جمعی، میان‌فردی و گروهی و مدرن بودن هر نوع ارتباط جمعی، و نیز با توجه به غیرشفاهی بودن همیشگی ارتباط جمعی، این پرسش به پنج سؤال فرعی تجزیه می‌شود:

- ۱- حکم فقهی پاسخ به سلام در ارتباطات میان‌فردی کلامی که به صورت غیرشفاهی سنتی است، چیست؟
- ۲- حکم فقهی پاسخ به سلام در ارتباطات میان‌فردی کلامی که به صورت غیرشفاهی مدرن است، چیست؟
- ۳- حکم فقهی پاسخ به سلام در ارتباطات گروهی کلامی که به صورت غیرشفاهی سنتی است، چیست؟
- ۴- حکم فقهی پاسخ به سلام در ارتباطات گروهی کلامی که به صورت غیرشفاهی مدرن است، چیست؟
- ۵- حکم فقهی پاسخ به سلام در ارتباطات جمعی کلامی چیست؟

حکم فقهی پاسخ به
سلام در ارتباطات کلامی
غیرشفاهی سنتی و
مدرن

۸۵

۱- مفاهیم تحقیق

مفاهیم ارتباط و مدل‌ها و انواع آن در این بخش از تحقیق معرفی می‌شوند.

۱.۱. ارتباط

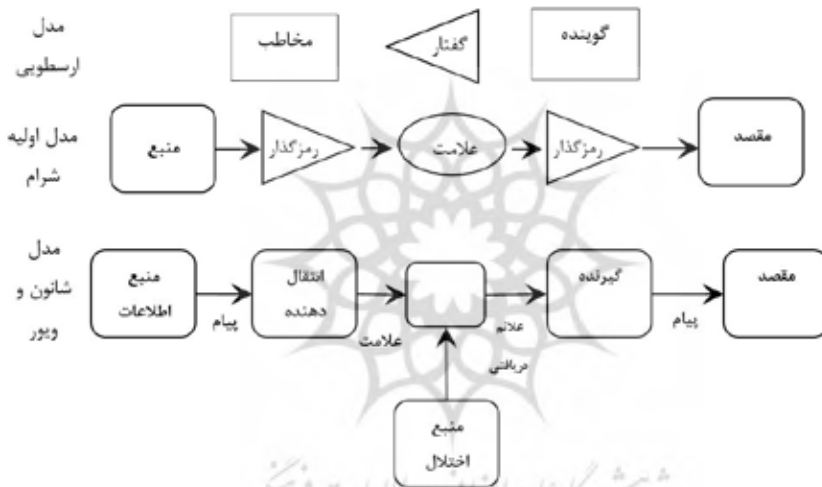
ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال پیام از سوی فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آنکه در گیرنده پیام، مشابهت معنا با معنای مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵، ۵۷). هر ارتباطی دست‌کم مشتمل بر فرستنده، گیرنده، پیام و یک واسط برای تبدیل پیام به رمزهایی برای ارسال است.

۱.۲. مدل‌های خطی و تعاملی ارتباطات

مدل‌های اولیه ارتباطات مانند مدل ارسطو، مدل شانون و ویور و نیز مدل اولیه شرام، یک‌جانبه بوده و بیشتر بر خطابه‌ها تطبیق پذیرست نه بر ارتباطات میان‌فردی که پویا و دوسویه است. در میان مدل‌های دوسویه نیز مدل سوم شرام در تبیین نظری

تحقیق فرارو کافی است و نیاز به مدل‌های پیچیده نیست. مدل تعاملی شرام ناظر به کنش متقابل ارتباطی میان دو طرف ارتباط است (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶، ۸۲؛ مک کوایل و ویندال، ۱۳۸۸، ۲۶) یک‌جانبه بودن فلش‌ها در نمودار شماره یک، نماد یک‌سویه‌گی و فلش‌های رفت و برگشتی در نمودار شماره دو، نماد تعاملی بودن آن است. در نوشتار حاضر، سلام کردن همان فرستادن پیام است و پاسخ آن، پس فرست است که همان پاسخ سلام است و تنها مدل شرام (مدل سوم) می‌تواند این فرآگرد را تبیین کند.

در مدل‌های جدیدتر، بر تبادلی، (تراکنشی)، بودن فرآگرد ارتباط تکیه شده است.



نمودار شماره ۱. مدل‌های اولیه یک‌سویه ارسطو، شانون و ویور. و مدل اول شرام

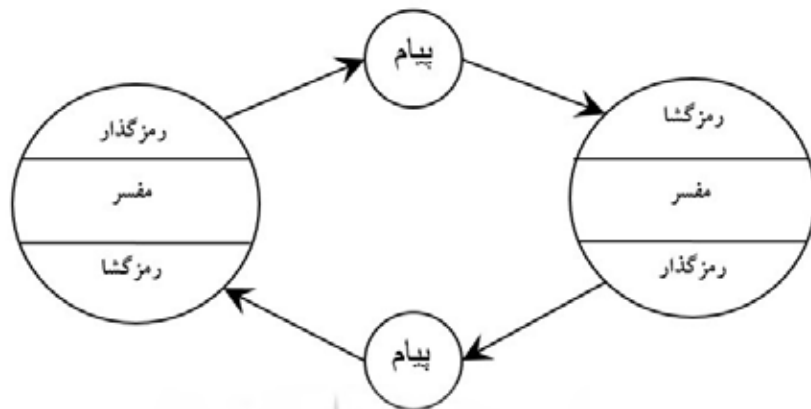
(سورین و تانکارد، ۱۳۸۶، ۶۹؛ محسنیان‌زاد، ۱۳۸۵: ۲۷۸ و ۲۷۶)

این مدل‌ها نه فقط در تبیین مفهوم ارتباط در این مقاله کارایی ندارند، بلکه ناکارآمد هستند^۱ و نباید پنداشت هر آنچه تأخر زمانی دارد و به اصلاح به‌روز و نو است، کارایی آن هم فراگیر و همیشگی است. از این رو، همین به همین دو مفهوم خطی و تعاملی

۱. مدل‌های تبدیلی یا تراکنشی بر خلق معنا از سوی کنشگران تأکید می‌شود. این مدل‌ها فعالانه در معنا تصرف می‌کند و آن را خوانش می‌کنند (Wood, 2011: 18; Floyd, 2011: 12; Adler, 2006: 15); حال آنکه در ارتباط دو مؤمن بر اساس تحیت آغازین «سلام»، معنا از سوی کنشگران، خلق و تصرف نمی‌شود، بلکه معنایی را که دستورات دینی به آنان گفته است، منظور می‌کند.

برای درک مفهوم فراگرد ارتباطات که کارایی لازم را نیز دارا هستند بسنده شد.

۱.۳. انواع ارتباط



نمودار شماره ۲. مدل سوم شراب
(منبع: سورین و تانکارد، ۱۳۸۶، ۸۲؛ مک کوایل و ویندال، ۱۳۸۸: ۲۶)

همان‌طور که از نمودار شماره یک بر می‌آید، ارتباط انسانی^۱، دارای انواع گوناگونی است که در تقسیمی رایج، به ارتباط انسان با انسان^۲، ارتباط انسان با حیوان^۳ و ارتباط انسان با حیوان^۴ تقسیم می‌شود. ارتباطات انسانی نیز در تقسیم خاص خود میان فردی^۵، گروهی^۶ و جمعی^۷ منقسم است. هر کدام از این انواع نیز می‌توانند به شکل کلامی^۸ یا غیرکلامی^۹ باشند.

ارتباط مورد نظر در این مقاله ارتباط انسانی از نوع ارتباط انسان با انسان است که

حکم فقهی پاسخ به
سلام در ارتباطات کلامی
غیرشفاهی سنتی و
مدرن

۸۷

- 1 . human communication.
- 2 . man to man communication.
- 3 . man-animal communication.
- 4 . man-machine communication.
- 5 . self to self communication.
- 6 . group communication.
- 7 . mass communication.
- 8 . verbal communication.
- 9 . nonverbal communication.

به شکل کلامی انجام می‌شود. ارتباط کلامی عبارت است از: فرایندی که در آن منبعی، زبان را به کار می‌گیرد تا معانی ویژه‌ای را به پیام‌گیران القا کند (میلر، ۱۳۸۹، ۹۴). ارتباط کلامی نیز در تقسیم‌بندی دیگر یا شفاهی^۱ است یا غیرشفاهی. ارتباط شفاهی، ارتباطی است که در تقسیمات مارشال مک لوهان، به صورت گفتار زبانی کاملاً رو در رو و بدون حضور هر نوع واسطه ارتباطی حتی خط و نامه، برقرار می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۶، ۴۴؛ مهدی‌زاده، ۱۳۹۲، ۲۶ و ۲۷؛ ۱۳۳ و ۱۳۲). در این نوع ارتباط، زمان و مکان ثابت و مشترکی میان فرستنده و گیرنده وجود دارد.

ارتباطات غیرشفاهی نیز در تقسیم‌بندی دیگر، یا سنتی است یا مدرن. ارتباطات غیرشفاهی سنتی، ارتباطاتی است که در بستر ابزارهای سنتی چون نامه‌های کاغذی انجام می‌گیرد. اما ارتباطات مدرن همواره به صورت شفاهی است؛ زیرا اصولاً مدرن شدن ارتباط به وارد شدن وسایل ارتباطی برای تغییر در مفهوم زمان و مکان است، همان‌طور که نظریه پردازان متعدد مدرنیته چون گیدنز و دیگران به این عنصر جوهری در تعریف مدرنیته تصریح کرده‌اند. رابرسون این وضعیت را «فشردگی جهان»، هاروی آن را «فشردگی زمان - مکان» و گیدنز آن را «جدایی زمان از مکان» نامیده‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲، ۲۰-۱۹). ارتباطات غیرشفاهی مدرن، ارتباطات الکترونیکی و نیز ارتباطات الکترونیکی است. ارتباطات مدرن نیز گاهی ارتباط میان فردی با کمک وسایل الکترونیکی (چون تلفن، تلگراف و ...) و یا الکترونیکی (مانند ایمیل، پیامک، تلگرام و ...) است و گاهی ارتباط جمعی که آن هم یا با کمک وسایل الکترونیکی (چون رادیو و تلویزیون کابلی یا پخش با آنتن‌های آنالوگ) یا الکترونیکی (مانند: پخش رادیو و تلویزیون‌های اینترنتی و یا پخش با آنتن‌های دیجیتال) است.

ارتباط گروهی نیز عبارت است از ارتباط انسان‌ها به شکل فرد با گروه یا گروه با گروه که اگر به صورت سنتی انجام گیرد، ممکن است شفاهی باشد؛ یعنی فرستنده و گیرنده در یک زمان و مکان واحد هستند؛ مانند خطبه‌های نماز جمعه و مباحثات گروهی خانوادگی یا ممکن است غیرشفاهی باشد؛ چون نامه‌ای واحد که فردی

برای جمعی بفرستد و یک نفر آن را برای آن جمع قرائت کند، مثل بخشنامه‌های اداراتی چون آموزش و پرورش که لازم است مدیر مدرسه آن را از طرف رییس اداره برای جمع معلمان قرائت کند. این نوع ارتباط اگر به صورت مدرن انجام شود، می‌تواند فردی با گروه باشد یا دو گروه با هم چون گروه‌های تلگرامی و ارتباطات ویدیوکنفرانس. همان‌طور که قبلاً گفته شد، هر نوع ارتباطات مدرن از جمله گروهی مدرن، همواره غیرشفاهی است.

ارتباط جمعی عبارت است از رساندن اطلاعات، ایده‌ها و برداشت‌ها از طریق وسایل ارتباطی و دریافت آن‌ها به وسیلهٔ عدهٔ زیادی از انسان‌ها به صورت توده‌ای و در یک زمان (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵، ۶۲).

واسطه^۱ در ارتباطات میان‌فردی کلامی سنتی غیرشفاهی، خط و مثل کاغذ و نامه است و در ارتباطات میان‌فردی مدرن الکترونیکی، مثل تلفن ثابت و در نوع الکترونیکی آن، مثل تلفن همراه است. همچنین واسطه در ارتباطات گروهی کلامی

۱. واسطه (medium) ابزاری است که پیام را به‌عنوان کدهایی در می‌آورد که قابل انتقال در مجرای ارتباطی باشد؛ مثلاً در ارتباط شفاهی، صدای من و آوای صوتی حاصل شده، یک واسطه است که محتوا را در مجرا که هوا باشد، منتقل می‌کند (Fiske, 2002: 18) جان فیسک، رسانه را بر اساس واسطه، به سه قسم تقسیم کرده است:

رسانه نمایشی: واسطه در اینجا عبارت است از صدا (در ارتباط کلامی)، چهره و اندام (در ارتباط غیرکلامی). این رسانه‌ها نیازمند حضور فرستندهٔ پیام هستند و در زمان و مکان یعنی به این‌جا و اکنون محدودند.

رسانه بازنمایی: واسطه در اینجا خط و تصویر و امثال آن است که در مجراهایی چون کاغذ، کتیبه، سنگ و... منتقل می‌شود. آن‌ها می‌توانند آنچه محصول ارتباط نمایشی است و در همان زمان و مکان خاص محدود است، ماندگار کنند تا از زمان و مکان بگذرد، چون متنی می‌سازند که می‌تواند مستقل از ارتباط گر به وجود خود ادامه دهد.

رسانه مکانیکی: واسطه در اینجا تکنولوژی‌های مدرن است که می‌توانند محصول رسانه‌های نمایشی و بازنمایی را انتقال دهند؛ مانند تلفن، رادیو، تلویزیون، تلکس (Fiske, 2002: 19-18) که البته این رسانه‌ها می‌توانند اطلاعات را در خود ذخیره هم بکنند نه فقط انتقال دهند؛ مانند کاست و گرامافون و...

آنچه جان فیسک به آن پرداخته، رسانه‌های دیجیتال است؛ یعنی تکنولوژی‌های پست مدرنی که همه قابلیت‌های رسانه‌های بازنمایی و مکانیکی یعنی ارتباط صوتی و تصویری و متنی به اضافهٔ امکان تعاملی شدن را یک‌جا دارند.

سنتی غیرشفاهی، مثل همان نامه از فرد به گروه یا به گروه دیگر و در نوع مدرن آن مثل شبکه‌های اجتماعی در ارتباطات فردی و در ارتباط جمعی، رادیو و تلویزیون یا شبکه‌های اجتماعی است در صورتی که ارتباط به صورت حضور در کانال‌ها یا گروه‌های بزرگ انجام شود.

گونه‌های ارتباط بر اساس تحلیل انجام شده در این بخش در نمودار شماره سه ارائه شده است.



جستارهای
فقهی و اصولی
سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷
زمستان ۱۳۹۸
۹۰

۲- گذری بر مضاف روایی و فقهی بحث و پیشینه

شیخ حرّ عاملی در کتاب حج ابوابی با عنوان مشترک «ابواب أحكام العشرة فی السفر و الحضر» گشوده است و در ذیل این ابواب که مشتمل بر مباحث آداب معاشرت است، از باب ۳۲ تا باب ۵۵ یعنی مجموعاً ۲۳ باب، روایات بحث سلام را مطرح کرده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲/۸۵-۵۵).

در منابع فقهی، بحث سلام و پاسخ آن هرگز ذیل بابی متقارن با باب روایی یادشده ارائه نشده، بلکه از زمان شیخ طوسی که این بحث وارد فقه شده تا زمان حاضر، اغلب در کتاب الصلاة و گاهی برخی احکام آن و کتاب‌های دیگری همچون مقنع شیخ صدوق و مقنعة شیخ مفید که متقدم بر شیخ طوسی هستند، این

بحث، اصلاً وجود نداشته است. پراکنش جغرافیایی این مبحث در کتاب‌های فقهی به شرح زیر است:

۱. قواطع نماز: عموم فقیهان این بحث را در مبحث مبطلات نماز به تناسب بحث سخن گفتن به عنوان یکی از مبطلات نماز مطرح کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۱۱۹/۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۸۲/۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۹۰/۹ - ۶۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ۲۸۳/۳ - ۲۸۱؛ شهید اول، ۱۴۱۹، ۲۸/۴ - ۲۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۲۳۲/۱ - ۲۳۱؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۳۵۷/۲ - ۳۵۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۱۱/۱۲۲ - ۱۰۰؛ یزدی، ۱۴۰۹، ۷۱۷/۱ - ۷۰۹؛ خوبی، ۱۴۱۸، ۴۸۹/۱۵ - ۴۵۱؛ امام خمینی، بی‌تا، ۱۸۹ - ۱۸۷).

۲. نماز جمعه: علامه حلی علاوه بر ورود در این مبحث در مباحث قواطع نماز، ضمن بحث از لزوم سکوت در نماز جمعه، از حکم سلام کردن و جواب دادن در آن حالت سخن گفته است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ۷۷/۴).

۳. حج: علامه حلی علاوه بر ورود در این مبحث در مباحث قواطع نماز، در برخی فروع تلبيه در حال احرام حج بحث پاسخ به سلام در آن حالت را طرح کرده است (علامه حلی، ۱۴۲۰، ۵۷۳/۱).

۴. قسم: علامه حلی و به تبع ایشان صاحب جواهر در کتاب قسم در بحث قسم بر سخن نگفتن با کسی، برخی فروع سلام کردن و جواب آن را بحث کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۲۰، ۳۲۸/۴ - ۳۲۴؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۳۴/۳۵).

۵. وکالت: محقق ثانی و به تبع ایشان صاحب جواهر نیز علاوه بر ورود در این مبحث در مباحث قواطع نماز، در کتاب وکالت نیز بحثی در توکیل در پاسخ به سلام طرح کرده‌اند (محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۲۱۸/۸ - ۲۱۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۸۲/۲۷).

در کتب آیات الاحکام نیز ذیل آیه شریفه «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا» (نساء/۸۵) مباحث مربوط به حکم فقهی سلام و جواب آن به شکل گسترده‌ای بحث شده است (فاضل مقداد، ۱۴۲۵، ۱۵۷/۱ - ۱۵۴؛ اردبیلی، بی‌تا، ۱۰۶ - ۱۰۱).

مسئله خاص این پژوهش یعنی پاسخ به سلام غیرشفاهی هم برای اولین بار در کلام علامه حلی مطرح شده است. ایشان فرموده است در صورتی که کسی از پشت

دیواری سلام کند یا در نامه یا توسط نماینده ابلاغ سلام کند، تنها در صورتی که سلام را شخص خود بشنود جواب واجب است و گرنه خیر (علامه حلی، ۱۴۱۴، ۲۳/۹ - ۲۲) پس از ایشان صاحب ذخیره (سیزواری، ۱۲۴۷، ۳۶۵/۲) و صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۰۵، ۸۲/۹) و مرحوم نراقی (نراقی، ۱۴۱۵، ۷۳/۷) هم این مبحث را طرح کرده‌اند.

۳- تبیین حکم فقهی پاسخ سلام در ارتباطات میان فردی کلامی غیرشفاهی سنتی

مصدق واضح این ارتباط، نامه‌های کاغذی است، چنان که فرستادن پیک برای ابلاغ سلام نیز طبق تعاریف ارائه شده در مفاهیم، حکم غیرشفاهی و نامه دارد. آیه ﴿وَإِذَا خِيبْتُمْ بِنَجْحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا﴾ (نساء/۸۶) مشتمل بر امر است و موضوع آن نیز مطلق تحیت است. برخی فقیهان این آیه را عام نامیده‌اند. این تعبیر درست نیست؛ چون عموم به کمک ادوات است و در اینجا هیچ‌یک از ادوات عموم وجود ندارد؛ لذا باید گفت اطلاق وجود دارد؛ چون اطلاق عبارت است از ارسال و فقدان قید. در اینجا هم «بِنَجْحِيَّةٍ» به این معنا مطلق است.^۱ طبق قواعد استنباط یعنی ظهور امر در وجوب تا زمانی که دلیلی آن را به استجاب تفسیر کند و نیز ظهور اطلاق در شمول تا زمانی که قیدی وجود داشته باشد و به دلیل وجود این شرایط در آیه، ظهور امر در وجوب است و شامل هر نوع تحیتی گرچه مانند نامه می‌باشد. لکن تنها نراقی جواب سلام ابلاغ شده توسط نماینده را واجب دانسته و دلیل خود را صدق تحیت و سلام بیان کرده است (نراقی، ۱۴۱۵، ۷۳/۷). در حالی که مشهور معتقدند جواب سلام نامه و سلام ابلاغی به‌عنوان تحیت واجب نیست. اندیشه‌های فقهی مشهور تا آنجا که از سوی فقها مستندسازی شده است، به شرح ذیل گزارش و نقد می‌شود:

جستارهای
فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷
زمستان ۱۳۹۸

۹۲

۳.۱. وجوب پاسخ سلام نامه به خاطر وجوب پاسخ نامه (نه تحیت)

صاحب حدائق پاسخ سلام نامه را به خاطر وجوب پاسخ نامه در صحیحہ عبد الله

۱. برخی فقیهان در اینجا تعبیر عموم آیه به کار برده‌اند (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۲، ۳۱۵/۵؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴، ۳۵۵/۲)؛ گرچه علامه در جای دیگر این آیه را مطلق نامیده است (علامه حلی، ۱۴۱۹، ۵۱۸/۱).

بن سنان^۱ واجب می‌داند نه به‌عنوان صدق تحیت بر این نوع سلام (بحرانی، ۱۴۰۵، ۸۲/۹). مرحوم نراقی هم پاسخ سلام نامه را به‌عنوان تحیت واجب ندانسته است؛ چون معلومیت صدق تحیت بر آن نزد ایشان محرز نبوده است. وی وجوب جواب را اقوی دانسته به‌دلیل وجوب پاسخ نامه به استناد صحیحۀ عبد الله بن سنان و به‌عنوان وجوب جواب نامه، نه از باب صدق تحیت (نراقی، ۱۴۱۵، ۷۳/۷). در نقد ادله روشن خواهد شد که اصولاً جواب نامه جدای از جواب تحیت نامه نیست و اساساً مقصود نامه‌نگاری در این روایت، مقصود همان ارتباط احوال‌پرسانه و تحیتی است.

۲/۳. استحباب پاسخ به سلام ارسالی

صاحب حدائق پاسخ سلام ارسالی را هم به‌جهت روایت ابی‌کهمش^۲ مستحب می‌داند (بحرانی، ۱۴۰۵، ۹-۸۲). نام ابوکهمس در کتاب نجاشی ذکر شده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ۴۳۷)، اما توثیقی ندارد و گویا صاحب حدائق هم به‌سبب تسامح در ادله سنن، حکم به استحباب کرده است.

۳/۳. استحباب پاسخ سلام نامه

در مستند این قول، سه دلیل اقامه شده است: یک: تحیت بر این مورد و امثال آن مثل سلام به واسطه نماینده صدق نمی‌کند؛ به‌بیان دیگر، اطلاق منصرف از آن‌هاست (علامه حلی، ۱۴۱۴، ۲۳/۹؛ سبزواری، ۱۲۴۷، ۲/۳۶۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۱۱/۱۱۱). دو: سیره بر عدم وجوب است. سه: اصل هم بر برائت است و روایتی که در آن تعبیر «وجوب» هم وجود دارد^۳ به‌معنای تأکید بر فضیلت اخلاقی جواب سلام در نامه است (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۱/۱۱۱).

۱. عن عبد الله بن سنان عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «رد جواب الكتاب واجب کوجوب رد السلام، و البادئ بالسلام أولى بالله و برسوله صلی الله علیه و آله».

۲. عن ابی کهمش قال: «قلت لأبی عبد الله علیه السلام عبد الله بن ابی یغفور یقرأک السلام قال و علیک و علیه السلام إذا أتیت عبد الله فارقاً السلام و قل له...».

۳. ابن محبوب عن عبد الله بن سنان عن ابی عبد الله علیه السلام قال: رد جواب الكتاب واجب کوجوب رد السلام و البادئ بالسلام أولى بالله و رسوله (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۶۷۰).

۳/۴. نقد و بررسی

اشکالات وارد بر این دیدگاه‌ها به شرح ذیل است:

۱. محدود کردن بی‌جهت آیه

اولین اشکال وارد بر این دیدگاه‌ها محدود کردن آیه به «سلام» و آن هم سلام حضوری و شفاهی است که با قواعد تفسیر سازگار نیست؛ زیرا اصولاً تخصیص بی‌دلیل آیات عام بر موارد خاص و افراد معین، باعث می‌شود قرآن کم فایده شود (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱۱/۱)؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمودند: «و لو أن الآية إذا نزلت في قوم ثم مات أولئك القوم - ماتت الآية لما بقي من القرآن شيء، و لكن القرآن يجري أوله على آخره ما دامت السماوات والأرض، و لكل قوم آية يتلونها [و] هم منها من خير أو شر (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱۰/۱)».

۲. فقدان انصراف

انصراف نیز در مورد این آیه درست نیست. توضیح اینکه: انصراف محصول انس ذهن با یک معنای خاص است و تنها وقتی معتبر است که مطلق، امری مشکک (دارای مراتب) باشد و به جهت فهم عرف از خود مفهوم لفظ، حصه‌ای معین را از آن بیرون بداند که این فهم، به نوعی قرینه متصل در تخصیص معنای آن لفظ محسوب شود و از این رو ظهورساز است و گرچه هنوز مطلق در معنای شایع خود است، اما در اینجا مراد از آن را محدود می‌کند؛ مانند انصراف لفظ «ما لایؤکل لحمه» در روایت «لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَعْرٍ وَ وَبَرٍ مَا لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ» از انسان؛ زیرا تحلیل خود این لفظ و مفهوم آن دلالت دارد که این اصطلاح، شامل انسان نیست. اما اگر انصراف به جهت کثرت فرد خارجی برای یک ماهیت باشد (مانند انصراف «ماء») به آب دجله و یا فرات) یا به جهت شک در مصداقیت یک فرد برای یک ماهیت باشد (مانند انصراف «ماء») از آب کبریتی و زاج)، ظهورساز نیست؛ زیرا هر دو انصراف بدوی است^۱ نه ثابت و با اندک تأملی زایل می‌شود (نابینی، ۱۳۵۲، ۵۳۲/۱).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷

زمستان ۱۳۹۸

۹۴

۱. ادعاهای انصراف در فقه زیاد است و کم آیه یا حدیثی است که ادعای انصراف در آن نشود و بسا افراد ادعای انصراف می‌کنند اما منشأ آن را درست نمی‌توانند شرح دهند. فقیه باید ذوق بالا و سلیقه مستقیمی داشته باشد و نیز لغت و فقه اللغة و

از طرف دیگر، تحیت در آیه شامل هر نوع تحیتی است و سلام تنها یک مصداق آن است؛ به بیان دیگر، رابطه تحیت و سلام در قرآن کریم، عموم و خصوص مطلق است. برخی فقیهان مثل صاحب ذخیره گفته‌اند مراد از تحیت تنها سلام است و در این راستا از سخن فیروزآبادی و طبرسی استشهد کرده و چنین نتیجه گرفته‌اند که این آیه دلالتی بر لزوم پاسخ دادن هدیه با هدیه ندارد، بلکه گاهی رد هدیه عقلاً و شرعاً مذموم است (سبزواری، ۱۳۴۷، ۳۶۴/۲).

پاسخ دو استشهد ایشان در دو محور به این شرح است:

۱. سخن فیروزآبادی و لغویان متعددی که تحیت را به معنای سلام انگاشته‌اند، درست نیست؛ زیرا شواهد نشان می‌دهد به جهت اتکا به تفسیر خاص خود یا اتکا بر دیدگاه مفسران خصوصاً مفسران اهل سنت - که بعداً بیان خواهیم کرد که اینان ادعای اجماع بر تفسیر آیه تحیت به سلام دارند - از آیاتی چون ﴿تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْتَهُمْ﴾ و... این معنا را به عهده لغت نهاده‌اند، لکن حق با ابوهلال عسکری است که در فرق میان تحیت و سلام گفته است: تحیت اعم از سلام است (عسکری، بی تا، ۵۰). همچنین در قرآن کریم فرموده است: ﴿تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ﴾ (ابراهیم ۲۳)؛ یعنی تحیت را امری کلی در نظر گرفته و مصداق تحیت برگزیده برای بهشتیان را سلام معرفی نموده است؛ بنابراین، در عرف قرآن، مقصود از «بِتَحِيَّةٍ»، هر نوع تحیتی است چرا که تنوین نکره نیز تأیید همین مدعاست؛ نیز در روایات هم ائمه هدی علیهم السلام ضرورت پاسخ بهتر به انواعی از تحیت غیر از سلام مانند پاسخ «یرحمکم الله» در عطسه را با استشهد به همین آیه تبیین فرموده‌اند (قمی، ۱۴۰۴، ۱۴۵/۱؛ صدوق، ۱۳۶۲، ۶۳۳/۲؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۳۱/۲).

۲. برخی مفسران هم بر همین دیدگاه یعنی عمومیت تحیت در آیه هستند؛ بنابراین، سخن مرحوم طبرسی نیز درست نیست. اصولاً ایشان در آرای تفسیری خود معمولاً پیرو شیخ طوسی است و شیخ طوسی نیز در مواردی که حساسیت کلامی و فقهی خاصی ندارد، معمولاً همان اندیشه‌های تفسیری اهل سنت را تکرار می‌کند.

در این مورد نیز همین اتفاق افتاده است. توضیح اینکه مفسران اهل سنت معمولاً آیه را مخصوص به سلامت انگاشته‌اند (ر.ک: بلخی، ۱۴۲۳، ۳۹۴/۱؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۳۲۶/۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ۱۱۹/۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۹۹/۳). بلکه ابن عربی در احکام القرآن مدعی است اجماع عالمان اهل سنت بر این است که مقصود از تحیت در این آیه سلام است (ابن عربی، بی‌تا، ۴۶۶/۱). اما برخی از ایشان نیز قائل به تعمیم برای هر نیکی و اظهار محبتی هستند (مبیدی، ۱۳۷۱، ۶۱۶/۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۶۶/۱۰). در میان مفسران شیعی نیز برخی بر باور جمهور اهل سنت یعنی اختصاص به سلام هستند (ر.ک: طوسی، بی‌تا، ۲۷۸/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۳۱/۳)، اما برخی نیز قائل به تعمیم می‌باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۰/۵؛ جرجانی، ۱۴۰۴، ۱۹۹/۱؛ فاضل مقداد، ۱۴۱۹، ۱۵۵/۱).

۳. عدم احراز حجیت سیره

ادعای سیره‌مشرعه بر پاسخ ندادن به سلام در نامه نیز قابل استناد نیست؛ زیرا سیره‌مشرعه یا باید به‌طور قطع به زمان معصوم علیه السلام برسد و خود معصوم علیه السلام هم به آن عمل نموده باشد، نظیر آنچه از شیخ طوسی نقل شده که مسلمانان در همه اعصار و قرون از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام تا امروز به خبر تقه اعتماد کرده‌اند یا خود معصوم علیه السلام آن را امضا کرده باشد؛ بنابراین، سیره‌هایی که به‌طور قطع بعد از عصر معصومان علیهم السلام پیدا شده یا سیره‌هایی که نسبت به آن‌ها شک وجود دارد که آیا به دوران معصوم علیه السلام می‌رسد و در حضور امام علیه السلام بوده یا خیر، ارزشی ندارد (مظفر، ۱۳۷۵، ۱۷۵/۲-۱۷۴؛ همچنین ر.ک: صدر، ۱۴۱۷، ۹/۲۱۰-۲۰۶). شیخ انصاری نیز به مناسبتی فرموده است بسا سیره‌های فوق احصا که در میان متشرعه وجود دارد و ناشی از سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی ایشان است (ر.ک: مظفر، ۱۳۷۵، ۱۷۶/۲-۱۷۵). در اینجا هم هیچ دلیل، روایت و نقل معتبری بر وجود این سیره در زمان ائمه علیهم السلام (عملی یا امضایی) وجود ندارد.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷
زمستان ۱۳۹۸

۹۶

۱. فخر رازی پس از آنکه ۱۷ مسئله در تحلیل ابعاد فقهی و اخلاقی بحث سلام ذیل این آیه ذکر کرده، در آخرین مسئله یعنی مسئله هجدهم می‌نویسد: «المسألة الثامنة عشرة: اعلم أن لفظ التحية على ما بيناه صار كناية عن الإكرام، فجميع أنواع الإكرام يدخل تحت لفظ التحية.» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۶۶/۱۰).

۴. دلالت صحیحۀ ابن سنان بر وجوب جواب سلام نامه

امام صادق علیه السلام در صحیح ابن سنان فرموده است: «ردّ جواب الکتاب واجب کـوجوب ردّ السلام» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۷۰/۲).^۱ چنان که گذشت، فقیهان در دلالت این حدیث خدشه‌هایی وارد کرده‌اند، اما باید به نکته‌ای مهم در پس زمینه صدور این حدیث یعنی همان فضای صدور آن و جایگاه بین‌الذنه‌ای نامه‌نگاری خصوصاً در عرف روایات معصومان علیهم السلام توجه داشت و آن اینکه ائمه هدی علیهم السلام تأکید کرده‌اند در وقتی که سفر نیستید با هم در ارتباط حضوری و دیداری باشید و به وقت سفر هم برای یکدیگر نامه‌نگاری کنید (کلینی، ۱۴۰۷، ۶۷۰/۲).^۲ از طرف دیگر، در روایت ابن سنان هم تناظر و تقارن میان سفر و حضر برقرار شده و ادب سفر را هم در موازنه با ادب حضر مورد تأکید قرار گرفته است. از آنجا که طبق روایات دیگر و طبق این صحیح‌ه آغاز ارتباط حضوری با سلام لفظی است، پاسخ نامه که روایت تأکید کرده مانند سلام واجب است نیز پاسخ به سلام و احوال‌پرسی کتبی است. این برداشت با اطلاق تحیت در آیه شریفه که در آغاز بحث گفته شد مطابق قواعد و روایات بود نیز سازگارتر و به عرف گفتمانی قرآن و حدیث نزدیک‌تر است.

حکم فقهی پاسخ به سلام در ارتباطات کلامی غیرشفاهی سنتی و مدرن
۹۷

۴- تبیین حکم فقهی پاسخ سلام در ارتباطات میان‌فردی کلامی غیرشفاهی مدرن
فرستنده و گیرنده در این گونه از ارتباط در یک زمان و مکان واحد قرار ندارند، اما صدا یا صدا و تصویر آن‌ها برای هم قابل شنیدن و دیدن است. همان ادله‌ای که در بحث قبل مطرح شد، در اینجا هم قابل ارائه است. برخی فقیهان معاصر معتقدند ادله ناظر به سلام مشافهه است، اما مانند سلام تلفنی گرچه مشافهه نیست در حکم مشافهه است؛ از این رو، مشمول وجوب است، لکن مانند ایمیل و پیامک، خیر (سبحانی، ۱۳۹۶/۱/۱۳) و برخی نیز معتقدند احتیاط در پاسخ دادن به سلام ایمیلی، پیامکی و تلگرامی می‌باشد (مکارم، استفتای نگارنده به شماره ۶۱۳۲۱۹). به نظر می‌رسد در

۱. ابْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: رَدُّ جَوَابِ الْكِتَابِ وَاجِبٌ كَوَجُوبِ رَدِّ السَّلَامِ وَالْأَبْدَانِ بِالسَّلَامِ أَوْلَى بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ.

۲. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ زَيْنِ عَدْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: التَّوَاضُّعُ بَيْنَ الْإِخْوَانِ فِي الْحَضَرِ التَّرَاوُؤُ وَ فِي السَّفَرِ التَّكَاثُبُ.

این مسئله طبق همه مبانی باید تفصیلاتی قائل شد: اولاً در صورت زنده بودن چت تلگرامی و امثال آن از گروه‌های مجازی یا برخط بودن در ایمیل و پیامک به گونه‌ای که بدون فاصله زمانی قابل توجهی (مگر ثانیه یا کسری از آن) پیام دریافت شود، پاسخ واجب است، گرچه پاسخ نامه کاغذی سنتی را واجب ندانیم؛ زیرا این موارد قطعاً مانند تلفن و در حکم مشافهه حضوری، مصداق اطلاق آیه و روایت وجوب جواب سلام است. در صورت‌های دیگر یعنی چت غیرزنده یا ارسال پیامک و ایمیل با فاصله زمانی، همان مباحث پاسخ به نامه سنتی مطرح است که با توجه به صدق عنوان «کتاب» (نامه) بر این موارد، نگارنده به همان ادله معتقد به وجوب پاسخ است.

۵- تبیین حکم فقهی پاسخ سلام در ارتباطات گروهی کلامی غیرشفاهی سنتی

در ارتباطات شفاهی سنتی گروهی کلامی، حکم مسئله وجوب است و اگر یک نفر از گروه هم جواب دهد، کافی است (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۶۴۷-۶۴۶؛ یزدی، ۱۴۰۹، ۷۱۴/۱). اگر قصد او سلام بر تک‌تک افراد باشد، در این صورت برخی معتقدند احتیاط این است که همه جواب او را بدهند (یزدی، ۱۴۰۹، ۷۱۴/۱) برخی معتقدند در این صورت هم یکی پاسخ دهد کافی است (خویی، ۱۴۱۸، ۱۵/۴۸۰)؛ زیرا گرچه طبق قواعد همه باید سلام دهند چون سلام او به همه افراد است، اما در روایات، رخصت وارد شده که یک نفر پاسخ دهد کافی است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ۱/۶۶۵-۶۶۴) همین اندیشه حق می‌نماید؛ زیرا احتیاط در جایی است که دلیل اجتهادی نارسا باشد و وقتی روایت صریح اجازه داده است که تحیت گروه را یک فرد پاسخ دهد، جایی برای احتیاط نمی‌ماند. دیگر اینکه فراز «سَلِّمْ عَلَی الْقَوْمِ» در روایت کافی که یاد شد، مطلق است و هر دو صورت یعنی بر همه یا بر تک‌تک آن قوم سلام کند و

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷

زمستان ۱۳۹۸

۹۸

۱. مُحَمَّدٌ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَى عَنْ غِثَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا سَلَّمَ مِنَ الْقَوْمِ وَاحِدٌ أَجْزَأَ عَنْهُمْ وَإِذَا زَادَ وَاحِدٌ أَجْزَأَ عَنْهُمْ. (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۶۴۶) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَنَسِ بْنِ مَرْثَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا مَرَّتِ الْجَمَاعَةُ بِقَوْمٍ أَجْزَأَهُمْ أَنْ يُسَلِّمَ وَاحِدٌ مِنْهُمْ وَإِذَا سَلَّمَ عَلَی الْقَوْمِ وَهُمْ جَمَاعَةٌ أَجْزَأَهُمْ أَنْ يَزِدَّ وَاحِدٌ مِنْهُمْ (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۶۴۷). مُحَمَّدٌ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: إِذَا سَلَّمَ الرَّجُلُ مِنَ الْجَمَاعَةِ أَجْزَأَ عَنْهُمْ (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۶۴۷).

امام علیه السلام نیز دقیقاً در مقام بیان حکم مسئله است و تفصیل نداده است و انصراف یا قدر متیقنی هم در میان نیست.

اما در نوع گروهی سنتی غیرشفاهی از آنجا که این نوع ارتباطات از نظر ساختار، تعاملی (دوسویه) نیست و در محتوا و درون‌مایه نیز بر بستر تعاملات عاطفی و مودت‌آمیز محض نیست، بلکه ارتباطی کاری و اداری است که ضمن آن سلام هم به‌عنوان احترام درج شده است، معمولاً پاسخ آن هم از طرف همه مخاطبان مورد انتظار نیست و می‌توان گفت اطلاق آیه از آن منصرف است مگر اینکه در اینجا هم ارتباط به‌صورت عاطفی باشد؛ مانند نامه‌ای که بزرگ‌خاندان برای اهل خود می‌نویسد و فردی آن را برای همه قرائت می‌کند که در اینجا مصداق روایت صحیحۀ ابن‌سنان است؛ از این‌رو، پاسخ نامه و پاسخ سلام در آن هر دو واجب است.

۶- تبیین حکم فقهی پاسخ سلام در ارتباطات گروهی کلامی غیرشفاهی مدرن

حکم پاسخ سلام در ارتباطات سنتی گروهی کلامی چه به صورت شفاهی و چه غیر شفاهی در بحث قبل ذکر شد. حال اگر این ارتباطات به صورت غیرشفاهی مدرن باشد، حکم آن چیست؟ نمونه این نوع ارتباط، ویدیوکنفرانس یا چت آنلاین تلگرامی و چت غیرآنلاین یا پیامک و ایمیل اگر فرد آن پیامک و ایمیل را در زمان و آنلاین نبیند است؛ از این‌رو، حکم این ارتباط را باید در دو دسته کلی بررسی کرد: سلام در ارتباطات آنلاین، سلام در ارتباطات غیرآنلاین.

در صورت اول، از آنجا که ارتباط به‌صورت تعاملی و آنلاین است، عناوین «حُیَّیْتُمْ بِتَحِیَّةٍ» صدق می‌کند؛ چه صدا یا صوت و تصویر هر دو و یا نوشتار همدیگر را در زمان واحد می‌بینند؛ لذا واضح‌تر از صورتی که فردی از پشت دیوار سلام کند و فقیهان جواب آن را واجب می‌دانند، مصداق آیه است. در پاسخ، همان بحث‌های مورد قبل که یک نفر جواب بدهد یا همگی، مطرح است.

در صورت دوم که رکن تعاملی بودن وجود ندارد، در صورتی که ارتباط بر بستر عاطفی انجام شود، مصداق روایت صحیحۀ ابن‌سنان است؛ از این‌رو پاسخ آن واجب است، در غیر این صورت، خیر.

۷- تبیین حکم فقهی پاسخ سلام در ارتباطات جمعی

ارتباط جمعی فراگردی است که رسانه‌های مدرن برای انبوهی که توده نامیده می‌شود، ارسال می‌کنند؛ بنابراین، از آنجا که سلام و جواب، یک فراگرد تحتی تعاملی است برای صمیمیت و به‌عنوان آغاز ارتباط از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی شده و جواب آن هم واجب است؛ لذا وقتی بستری برای پس فرست (جواب سلام) فراهم نباشد، سالبه به انتفای موضوع است؛ در نتیجه پاسخ هم واجب نیست. در ارتباط جمعی نیز مخاطب در تعامل با فرستنده نیست تا جوابی به او بفرستد؛ بنابراین، این سلام‌ها گرچه از مجریان زنده تلویزیونی صادر شود، شامل اطلاق آیه نیست و آیه از آن‌ها منصرف است.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق در پاسخ به پرسش‌های پنج‌گانه آن در نمودار زیر ارائه شده است. محورهای پنج‌گانه در نمودار با رنگ جدا متمایز شده‌اند.



نمودار شماره ۴: پاسخ به پرسش‌های تحقیق در حکم پاسخ به سلام در انواع ارتباطات غیرشغلی کلامی (منبع: نگارنده)

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷

زمستان ۱۳۹۸

۱۰۰

منابع

• قرآن کریم

۱. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.
۲. ابن العربی محمد بن عبدالله بن ابوبکر، (بی تا)، احکام القرآن، بی جا: بی تا.
۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، اول.
۴. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، تبریز: بی نا، اول.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد، (بی تا)، زیادة البیان فی أحكام القرآن، تهران: المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة، اول.
۶. خمینی، سید روح الله موسوی، (بی تا)، تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، اول.
۷. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۸. بلخی، مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث، اول.
۹. جرجانی، سید امیر ابوالفتح، (۱۴۰۱ش)، آیات الأحکام، انتشارات نوید: تهران، اول.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ، اول.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ﷺ، اول.
۱۲. رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد، (۱۳۷۱ش)، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: انتشارات امیر کبیر، پنجم.
۱۳. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۶ش)، جامعه شناسی ارتباطات، تهران: انتشارات اطلاعات، هجدهم.
۱۴. سبحانی، پاسخ به استفتای نگارنده به شماره ۱۰۱۱۱، تاریخ ۱۳۹۶/۱/۱۳ش.
۱۵. سبزواری، محقق، محمد باقر بن محمد مؤمن، (۱۲۴۷ق)، ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ، اول.
۱۶. سورین ورنر - تانکارد جیمز، (۱۳۸۶ش)، نظریه های ارتباطات، ترجمه دکتر علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، سوم.
۱۷. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۹ق)، ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ، اول.

حکم فقهی پاسخ به
سلام در ارتباطات کلامی
غیرشفاهی سنتی و
مدرن

١٨. شهيد ثاني، زين الدين بن علي، (١٤١٣ق)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، اول.
١٩. —، (١٤٢١ق)، رسائل الشهيد الثاني، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزة علميه قم، اول.
٢٠. شيخ طوسي، محمد بن حسن، (١٣٨٧ق)، المبسوط في فقه الإمامية، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، سوم.
٢١. صدر، محمد باقر، (١٤١٧ق)، بحوث في علم الأصول، بيروت: الدار الكتب الاسلامية، اول.
٢٢. صدوق، محمد بن علي، (١٣٦٢ش)، الخصال، قم: انتشارات اسلامي، اول.
٢٣. طباطبائي، سيد محمد حسين، (١٤١٧ق)، الميزان، انتشارات اسلامي: قم، پنجم.
٢٤. طبرسي، علي بن حسن، (١٣٤٤ش)، مشكاة الأنوار، نجف: المكتبة الحيدرية، دوم.
٢٥. —، (١٣٧٢ش)، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، سوم.
٢٦. طبري، ابو جعفر محمد بن جرير، (١٤١٢ق)، جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت: دار المعرفة، اول.
٢٧. طوسي، محمد بن حسن، (بي تا)، التبيان في تفسير القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربي.
٢٨. عسكري، حسن بن عبدالله، (١٤٠٠ق)، الفروق في اللغة، بيروت: دار الآفاق الجديدة، اول.
٢٩. علامه حلي، حسن بن يوسف، (١٤١٢ق)، منتهى المطلب في تحقيق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، اول.
٣٠. علامه حلي، حسن بن يوسف، (١٤١٤ق)، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت، اول.
٣١. علامه حلي، حسن بن يوسف، (١٤١٩ق)، نهاية الأحكام في معرفة الأحكام، قم: مؤسسه آل البيت، اول.
٣٢. علامه حلي، حسن بن يوسف، (١٤٢٠ق)، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، قم: مؤسسه امام صادق، اول.
٣٣. عياشي، محمد بن مسعود، (١٣٨٠ق)، تفسير العياشي، تهران: المطبعة العلمية، اول.
٣٤. فاضل مقداد، جمال الدين مقداد بن عبدالله، (١٤١٩ق)، كنز العرفان في فقه القرآن، قم: مجمع جهاني تقريبات مذاهب اسلامي، اول.
٣٥. فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله سيوري، (١٤٢٥ق)، كنز العرفان في فقه القرآن، قم: انتشارات مرتضوي، اول.
٣٦. فخرالدين رازي ابو عبدالله محمد بن عمر، (١٤٢٠ق)، مفاتيح الغيب، بيروت: دار احياء التراث العربي، سوم.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ١٧

زمستان ١٣٩٨

١٠٢

۳۷. فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۱۵ق)، **تفسیر الصافی**، تهران: انتشارات الصدر، دوم.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، **تفسیر القمی**، قم: دارالکتاب، سوم.
۳۹. محسنیان‌راد، مهدی، (۱۳۸۵ش)، **ارتباط شناسی**، تهران: سروش، هفتم.
۴۰. محقق ثانی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت، دوم.
۴۱. محقق حلّی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، قم: مؤسسه اسماعیلیان، دوم.
۴۲. مظفر، محمد رضا، (۱۳۷۵ش)، **أصول الفقه**، قم: انتشارات اسماعیلیان، پنجم.
۴۳. مکارم، پاسخ به استفتای نگارنده به شماره ۶۱۳۲۱۹، تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۸ش.
۴۴. مک کوایل، دنیس و سون ویندال، (۱۳۸۸ش)، **مدل های ارتباطات جمعی**، مترجم: گودرز میرانی، تهران: دفتر پژوهش های رادیو، اول.
۴۵. مهدی‌زاده، سید محمد، (۱۳۹۲ش)، **نظریه‌های رسانه**، تهران: انتشارات همشهری، سوم.
۴۶. میلر، جرالدر، (۱۳۸۹ش)، **ارتباط کلامی**، مترجم: علی ذکاوتی قراگزلو، تهران: سروش، چهارم.
۴۷. نائینی، محمد حسین، (۱۳۵۲ش)، **أجود التقريرات**، قم: مطبعة العرفان، اول.
۴۸. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ش)، **رجال النجاشی**، قم: انتشارات اسلامی، ششم.
۴۹. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، بیروت: دار إحياء التراث العربی، هفتم.
۵۰. نراقی، مولی احمد، (۱۴۱۵ق)، **مستند الشیعة فی أحكام الشریعة**، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت، اول.
۵۱. نعمت‌اللهی، داود، (۱۳۹۶ش)، **آداب معاشرت برای همه**، تهران: نشر معیار علم، پنجم.
۵۲. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، (۱۴۰۹ق)، **العروة الوثقی**، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم.

53. Adler, Ronald B. & Roodma, George (2006). **Understanding Human Communication**, 9th edition. New York: Oxford University Press.

54. Fiske, John, (2002), **Introduction to communication studies**, Second edition, New York: Taylor & Francis e-Library.

55. Floyd, Kory (2011). **Interpersonal Communication: The Whole Story**. New York: McGraw-Hill, 2th Edition.

56. Wood, Julia T, (2011), **Communication Mosaics: An Introduction to the Field of Communication**, Sixth Edition , Wadsworth, Cengage Learning.



جستارهای
فقهی و اصولی
سال پنجم، شماره پیاپی ۱۷
زمستان ۱۳۹۸
۱۰۴